

شما در اجراهای تان سه سبک قدیمی تان نوازی توجه ویژه دارید. اسن در حالی است که همواره در آثار تان به داشتن نگاهی نو موسیقی ایران تاکید کرده اید این دوندگاه متفاوت حاصل چه مسأله‌ای است؟

من موسیقی را از کودکی در هنرستان موسیقی آغاز کردم یعنی سیزده ساله رفتم در یک محبت موسیقی که چالش‌های منحصاری در آن وجود داشت و از آن جا که من به‌طور دائمی اهل منطق و تفکر و آنالیز کردن هستم، من توانستم همه چیز را به راحتی بخوانم. در واقع من خواستم این تشنه‌ها را به شکلی با خودم جل کنم. هنرستان موسیقی بر اساس مکتب علی‌نقی زبیری تأسیس شده بود. مکتب و نگاهی مدرن و غرب‌گرا به موسیقی ایرانی دارد. در این هنرستان سبب سبب از چهره‌های مطرح کنونی موسیقی مثل حسین علیزاده، علی‌زهری و دیگران درس می‌آموختم. ما در آنجا علاوه بر سازهای ایرانی، باید سازهای غربی مثل پیانو و کلارینت هم می‌آموختیم. این سازها در آن کتس «زبیری» و بعد از آنجا گریتش - آقای خالقی - وجود داشت و این اسنادی نگارش و کنترال را هم اصلاح تونی به موسیقی داشتند علاوه بر آن هر ماهی که کنترال و سبب سبب موسیقی هم جزو درس‌های ما بود. در این میان شایسته بزرگ‌ترین یاد بود که استاد «شهنازی» هم آنجا بودند و در ریاضی و به‌صورت گوشه اجرا می‌گرفتیم. طبعی است که تضادهای بسیاری در آنجا وجود داشت و شما نگاه کنید که یک نوجوان باید خودش را در چنین موقعیتی پیدا می کرد علاوه بر همه اینها این زمان من هم خوانندگی را آموختم. هم هر دو هم داشت و برای مثال ناظم هنرستان می گفت: «چرا نوازنده داری و آواز هم می‌خوانی؟ برو صدای ساز فلان نوازنده داری و آواز هم می‌خوانی که صدای تو بیخ می‌آید» و این حرف‌ها را با فضا با فضا قطع زبیری را می‌خواند.

سازهای غربی به همان اندازه سازهای ایرانی در هنرستان نقش داشته‌اند؟
بله حتی کسی که می‌خواهد با ما بیاموزد نواختن، جایگاه بالایی از نوازندگی داشت که ساز ایرانی می‌زد. ما در کتس‌ها هم حضور داشتیم. به همین خاطر زمانی که من در سن ۱۸ سالگی به هنرستان بالایی رفتم - سطح ۲ - فارغ‌التحصیل شدم و به دانشکده رفتم. دیگر برای خودم نوازنده قلمی بودم. یعنی هر چه نواز بودم را نواز خودم بودم. حتی سبب سبب نوازنده‌ها هم به‌صورت کوشی تقلید کرده‌ام مثل نوازنده‌ها مطرح بود و آن‌ها هم به دانشکده رفتند. مثل دیگران دنبال شغل و فعالیت نبودم و از آن طرف به اردیبهشت‌ماهیان داده به‌عنوان سولیت قبول شده‌ام. زمانی که جواز از من می‌خواستند درست معلوم شده بود با بازسازی‌هایی که در آنجا انجام می‌شد. آقای «شاه‌حلی» به‌عنوان رئیس اردیبهشت‌ماهیان تان نواز بود و در کتس کار راه‌محل کرد و علاوه از آن نوازنده‌ها هم می‌گرفتند. آقای امیری، آقای تجویدی و آقای رحمت‌الله دبیری از من از من

گفت و گو «شهرود» با داریوش طلایی نوازنده نام‌آشنای تار دیگری به سمت من گشود



داریوش طلایی

سایمان آسمانی آثار ایرانی در طول این سال‌ها بازیگانی همچون استادخان جلیل‌شاه، مجیدزادگان و فریدون خالقی را دوستی داشته‌اند. این وجود استاد به‌نامی همچون نوازنده طلایی، حسین علیزاده و دیگران در حوزه تدریس و اجرا کارهای انجام داده که موسیقی ایرانی را بسیار رنگین‌تر کرده است. داریوش طلایی بر خلاف علیرضا، صحت امر این فعالیت جنایتی ندارد و بیشتر وقت در تار و کمان کارهای بوهشی، تدریس و تألیف گذاشته است. شهرود: من در این صفحه به‌عنوان پیش‌گویی از تلاشی در تلاشی برداشته است صحبت کردیم با داریوش طلایی یکی از تارهایی است که می‌خواهد با ما در شناختن دیرگاه‌های او دربار موسیقی ایرانی نزدیک تر کند. شرح این گفت‌وگو در ادامه مطلب آمده است:

چیز عمیق و رمزآلود شد اگر با آقای شهنازی آشنا نمی‌شدم، ممکن بود به سمت موسیقی‌های دیگر بروم. همان طور که به خاطر استفاده در موسیقی غربی، بازها هم به پیشینه‌ها شد که آن، ادامه بدهم؛ اما وصل شدنم به موسیقی ایرانی و تار و شهنازی انجام شد. اگر چه بعدها شهنازی دیگر و استادخان دیگری راهم دیدیم، اما ارزش شهنازی چیز دیگری بود. او موسیقی را کامل و قوی می‌دانست و در عین حال معلم متحرکی بود. من البته «عبدالاحسین شهنازی» را هم خیلی دوست دارم، اما او درس ندهاند است و زود فوت شده است. آن طور نبود که من بتوانم از حضورش استفاده کنم فقط محدود به آنکه می‌بود که از او باقی‌مانده من روی آهنگ کار کرده‌ام. علی‌اکبر شهنازی اما میراث همین خانواده و این موسیقی را منتقل کرده و من اینک که به این ارتباط حس و موسیقایی با او برقرار کرده و حالا دوست دارم این را با دیگران تقسیم کرده و آن را بشناسم. فکر می‌کنم، اما می‌آید درست موسیقی ایرانی را نشان داده است.

در میان همه سازگران و قدمای موسیقی ایرانی، شما علاقه خاصی به آقای شهنازی دارید. چه چیزی باعث شده تا تار و شهنازی را به‌عنوان یک ساز گزیده‌اید؟
در این باره می‌توانم بگویم که در این باره من به‌عنوان یک نوازنده و به‌عنوان یک نوازنده، من به این ساز علاقه دارم. این ساز را با دیگران تقسیم کرده و آن را بشناسم. فکر می‌کنم، اما می‌آید درست موسیقی ایرانی را نشان داده است.

بود با گذشته به سیستم نوازندگان قاجار و استادخان ریدخان آثار نبود، کسانی که آن زمان در سبب سبب ساز داشتند و حتی فراموش شده بود. این متال نوازندگی سبب سبب فراموش شده بود. ما متال آسایدیدی. متال فرانسوی، هرزی و میساده، دولی را کسی جز یک سری موسیقیدان قدیمی خواری و اریف لعل نمی‌شناخت. من در چنین جایی قرار دارم که از همان زمان آغاز شد. ما به یک موسیقیدان باید به‌روز باشد، اما این تعریف «هرز یون» - برای من یک آواز و خوشفکری را مسالمانه سطحی نیست. هیجوت هم نبوده است. اولین سولگی که برای خود مطرح کرده‌ام، بود که تا زمانی که می‌گویم، موسیقیدان ایرانی می‌باشند. موسیقی ایرانی را نشنیدم و آن را تعریف کنم. نمی‌توانم شما را که با تار می‌نوازی به‌صورت موسیقی غربی می‌نوازی، چون تار، یک ساز ایرانی است. بنابراین من هدفم، روی این مسأله گذاشتم تا زمانی که می‌شود، موسیقی

بود با گذشته به سیستم نوازندگان قاجار و استادخان ریدخان آثار نبود، کسانی که آن زمان در سبب سبب ساز داشتند و حتی فراموش شده بود. این متال نوازندگی سبب سبب فراموش شده بود. ما متال آسایدیدی. متال فرانسوی، هرزی و میساده، دولی را کسی جز یک سری موسیقیدان قدیمی خواری و اریف لعل نمی‌شناخت. من در چنین جایی قرار دارم که از همان زمان آغاز شد. ما به یک موسیقیدان باید به‌روز باشد، اما این تعریف «هرز یون» - برای من یک آواز و خوشفکری را مسالمانه سطحی نیست. هیجوت هم نبوده است. اولین سولگی که برای خود مطرح کرده‌ام، بود که تا زمانی که می‌گویم، موسیقیدان ایرانی می‌باشند. موسیقی ایرانی را نشنیدم و آن را تعریف کنم. نمی‌توانم شما را که با تار می‌نوازی به‌صورت موسیقی غربی می‌نوازی، چون تار، یک ساز ایرانی است. بنابراین من هدفم، روی این مسأله گذاشتم تا زمانی که می‌شود، موسیقی

بود با گذشته به سیستم نوازندگان قاجار و استادخان ریدخان آثار نبود، کسانی که آن زمان در سبب سبب ساز داشتند و حتی فراموش شده بود. این متال نوازندگی سبب سبب فراموش شده بود. ما متال آسایدیدی. متال فرانسوی، هرزی و میساده، دولی را کسی جز یک سری موسیقیدان قدیمی خواری و اریف لعل نمی‌شناخت. من در چنین جایی قرار دارم که از همان زمان آغاز شد. ما به یک موسیقیدان باید به‌روز باشد، اما این تعریف «هرز یون» - برای من یک آواز و خوشفکری را مسالمانه سطحی نیست. هیجوت هم نبوده است. اولین سولگی که برای خود مطرح کرده‌ام، بود که تا زمانی که می‌گویم، موسیقیدان ایرانی می‌باشند. موسیقی ایرانی را نشنیدم و آن را تعریف کنم. نمی‌توانم شما را که با تار می‌نوازی به‌صورت موسیقی غربی می‌نوازی، چون تار، یک ساز ایرانی است. بنابراین من هدفم، روی این مسأله گذاشتم تا زمانی که می‌شود، موسیقی

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم، موضوعی است که در طول تاریخ مورد توجه بوده است. موسیقی می‌تواند احساسات را برانگیزد، روح را تسکین دهد و به بهبود روابط اجتماعی کمک کند. در فرهنگ ما، موسیقی همیشه با جشن‌ها و مراسم‌ها همراه بوده است. از آوازهای مردمی گرفته تا سبب سبب نوازندگی، موسیقی در زندگی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله، به بررسی تأثیر موسیقی بر زندگی مردم در فرهنگ ما می‌پردازیم.

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم، موضوعی است که در طول تاریخ مورد توجه بوده است. موسیقی می‌تواند احساسات را برانگیزد، روح را تسکین دهد و به بهبود روابط اجتماعی کمک کند. در فرهنگ ما، موسیقی همیشه با جشن‌ها و مراسم‌ها همراه بوده است. از آوازهای مردمی گرفته تا سبب سبب نوازندگی، موسیقی در زندگی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله، به بررسی تأثیر موسیقی بر زندگی مردم در فرهنگ ما می‌پردازیم.

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم، موضوعی است که در طول تاریخ مورد توجه بوده است. موسیقی می‌تواند احساسات را برانگیزد، روح را تسکین دهد و به بهبود روابط اجتماعی کمک کند. در فرهنگ ما، موسیقی همیشه با جشن‌ها و مراسم‌ها همراه بوده است. از آوازهای مردمی گرفته تا سبب سبب نوازندگی، موسیقی در زندگی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله، به بررسی تأثیر موسیقی بر زندگی مردم در فرهنگ ما می‌پردازیم.

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم، موضوعی است که در طول تاریخ مورد توجه بوده است. موسیقی می‌تواند احساسات را برانگیزد، روح را تسکین دهد و به بهبود روابط اجتماعی کمک کند. در فرهنگ ما، موسیقی همیشه با جشن‌ها و مراسم‌ها همراه بوده است. از آوازهای مردمی گرفته تا سبب سبب نوازندگی، موسیقی در زندگی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله، به بررسی تأثیر موسیقی بر زندگی مردم در فرهنگ ما می‌پردازیم.

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم

تأثیر موسیقی بر زندگی مردم، موضوعی است که در طول تاریخ مورد توجه بوده است. موسیقی می‌تواند احساسات را برانگیزد، روح را تسکین دهد و به بهبود روابط اجتماعی کمک کند. در فرهنگ ما، موسیقی همیشه با جشن‌ها و مراسم‌ها همراه بوده است. از آوازهای مردمی گرفته تا سبب سبب نوازندگی، موسیقی در زندگی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله، به بررسی تأثیر موسیقی بر زندگی مردم در فرهنگ ما می‌پردازیم.

کلاس ایشان کلاسی است رسمی با هدف مشخص. هنر چو ساز نواخته به موضوع درس از آواز عمل و فکر و سخن است و بنابر تجربه شخصی می‌توانم بگویم خاص خود است. در این چارچوب، اصولاً استاد که دارای شرایط لازم و کافی و در موقعیت بهتر از فریادگاران و هنرمندان است، به‌عنوان مدرس در این کلاس‌ها فعالیت می‌کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند.

کلاس ایشان کلاسی است رسمی با هدف مشخص. هنر چو ساز نواخته به موضوع درس از آواز عمل و فکر و سخن است و بنابر تجربه شخصی می‌توانم بگویم خاص خود است. در این چارچوب، اصولاً استاد که دارای شرایط لازم و کافی و در موقعیت بهتر از فریادگاران و هنرمندان است، به‌عنوان مدرس در این کلاس‌ها فعالیت می‌کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند.

کلاس ایشان کلاسی است رسمی با هدف مشخص. هنر چو ساز نواخته به موضوع درس از آواز عمل و فکر و سخن است و بنابر تجربه شخصی می‌توانم بگویم خاص خود است. در این چارچوب، اصولاً استاد که دارای شرایط لازم و کافی و در موقعیت بهتر از فریادگاران و هنرمندان است، به‌عنوان مدرس در این کلاس‌ها فعالیت می‌کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند.

کلاس ایشان کلاسی است رسمی با هدف مشخص. هنر چو ساز نواخته به موضوع درس از آواز عمل و فکر و سخن است و بنابر تجربه شخصی می‌توانم بگویم خاص خود است. در این چارچوب، اصولاً استاد که دارای شرایط لازم و کافی و در موقعیت بهتر از فریادگاران و هنرمندان است، به‌عنوان مدرس در این کلاس‌ها فعالیت می‌کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند.

کلاس ایشان کلاسی است رسمی با هدف مشخص. هنر چو ساز نواخته به موضوع درس از آواز عمل و فکر و سخن است و بنابر تجربه شخصی می‌توانم بگویم خاص خود است. در این چارچوب، اصولاً استاد که دارای شرایط لازم و کافی و در موقعیت بهتر از فریادگاران و هنرمندان است، به‌عنوان مدرس در این کلاس‌ها فعالیت می‌کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند. به‌عنوان مدرس، باید دیدگاه و نگاه خود را در این کلاس‌ها منعکس کند.



داریوش طلایی

داریوش طلایی

داریوش طلایی

داریوش طلایی

داریوش طلایی

داریوش طلایی